

The Islamic Revolution and the Theory of Enmity

Rohollah Ghasemian
Mostafa Esmaeilian

Received Date: 13 Feb 2022
Reception Date: 29 Oct 2022

Abstract:

The Islamic Revolution of Iran was a popular revolution under the leadership of Imam Khomeini, the product of the widespread presence of the people. People who firmly believed in Islam. Independence, freedom and the establishment of the government of the Islamic Republic were the most important demands of the people during the Islamic Revolution. The Islamic Revolution led to profound changes in the world. One of the most important developments created by the Islamic Revolution; The field of international relations was at the macro level and foreign policy was at the micro level. In the international arena, he was the first country to enter politics with neither Eastern nor Western slogans. The Islamic Republic focused on its ideological and behavioral independence from the bipolar world based on Islamic ideas. In fact, Islamic thought and active behavior is one of the points that have made the foreign policy of the Islamic Republic different from all other countries in the world. He also tried to distance himself from his enemies. The ideological center of such actions by the Islamic Republic should be considered the concept of hostility. Enmity causes a person to distance himself from others and take a different path. Enmity has arisen from religious teachings that in the field of thought and action has led to profound changes in foreign policy and attitude of the Islamic Republic. This article tries to determine the strategies and implications of this theory in the field of theory and practice by studying the theory of hostility.

انقلاب اسلامی و نظریه دشمن‌شناسی

روح‌ا... قاسمیان^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۴

مصطفی اسماعیلی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۷

چکیده

انقلاب اسلامی ایران انقلابی مردمی تحت رهبری امام خمینی(ره)، محصول حضور گسترده مردم بود. مردمی که اعتقاد راسخ به دین اسلام داشتند. استقلال، آزادی و برقراری حکومت جمهوری اسلامی مهمترین مطالبه مردم در جریان انقلاب اسلامی بود. انقلاب اسلامی منجر به تحولات عمیق در سطح جهان گردید. یکی از مهمترین تحولاتی که انقلاب اسلامی ایجاد کرد؛ عرصه روابط بین الملل در سطح کلان و سیاست خارجی در سطح خرد بود. در عرصه بین الملل نخستین کشوری بود که با شعار نه شرقی نه غربی به عرصه سیاست وارد شده بود. جمهوری اسلامی تمرکز خود را بر روی عدم وابستگی ایدئولوژیک و رفتاری خود از جهان دو قطبی براساس اندیشه های اسلامی بود. در واقع اندیشه اسلامی و رفتار فعالانه از نکاتی است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی را با تمام کشورهای جهان متفاوت کرده است. همچنین تلاش کرد تا با دشمنان خود اقدام به فاصله گذاری نماید. مرکز اندیشه ای چنین

۱- استادیار روابط بین الملل، گروه روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران،

ایران. (نویسنده مسئول) Ghasemian.roohullah@gmail.com

۲- استادیار روابط بین الملل، دانشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. Esmaili@sndu.ac.ir

اقداماتی از سوی جمهوری اسلامی را باید مفهوم دشمن شناسی دانست. دشمن شناسی باعث می‌گردد تا فرد اقدام به فاصله گذاری با دیگران کرده و سیر متفاوتی را پیش بگیرد. دشمن شناسی برخواسته از آموزه‌های دینی بوده که در عرصه نظر و عمل منجر به تحولات عمیق در سیاست خارجی و نگرش جمهوری اسلامی شده است. این مقاله کوشش دارد با روش توصیفی تحلیلی و گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای راهبردها و استلزامات این نظریه دشمن شناسی را در عرصه نظر و عمل مشخص نماید در نهایت در این مقاله براساس نظریه دشمن شناسی سه راهبرد اساسی شامل؛ قاعده نفی سییل، راهبرد نه شرقی نه غربی و راهبرد مرزبندی با دشمن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، دشمن، عدم تعهد، نظام بین الملل.

مقدمه

در دی ماه ۱۳۵۵ کارتر نامزد دموکرات ها که با شعار حقوق بشر به ریاست جمهوری برگزیده شد. وی در آغاز با محمدرضا پهلوی دچار اختلاف شد. این اختلافات باعث شد تا شاه نسبت به سیاست های استبدادی و سخت گیرانه خویش تجدیدنظر کرد. از سوی دیگر دولت پهلوی با بحران های مالی نیز روبرو شده بود. در خردادماه ۱۳۵۶ دکتر شریعتی متفکر و اسلام شناس با گرایش های سوسیالیستی که در میان جوانان دارای محبوبیت بود به صورت مشکوکی درگذشت. شاه از انتقال جنازه وی به داخل ایران نیز امتناع کرد. اتفاق بعدی که رخ داد و در جریان پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی ایفا کرد، وفات مشکوک حجت الاسلام و المسلمین سید مصطفی خمینی پسر ارشد امام خمینی که مسئولیت دفتر مرجعیت و رهبری ایشان را نیز برعهده داشت. وی فردی صاحب فضل در علوم دینی و از کسانی بود که از روز نخست در کنار امام بود. به مناسبت درگذشت وی در اول آبان ماه در ایران مجالس ختم ترتیب داده شد. امام خمینی(ره) در مراسم ختم فرزندش سخنرانی حماسی کرده و انتقادهای اساسی و تاثیرگذاری را نسبت به حکومت شاه داشت. شاه از انتقادهای عمیق نفوذ و محبوبیت امام خمینی(ره) دچار تردید و نگرانی شده بود. در مراسم آغاز سال نو میلادی جیمی کارتر به تهران سفر کرد. وی در آن سفر ایران را جزیره ثبات در منطقه بی ثبات خطاب کرد. سفر کارتر به تهران و حمایت وی باعث شد تا شاه اعتماد به نفس بیشتری کسب کند. اعتماد به نفس شاه در کنار اختلافات درون دربار باعث شد تا مقاله اهانت آمیز با موضوع اتحاد ارتجاع سرخ و سیاه در روزنامه اطلاعات با امضای رشیدی مطلق به چاپ برسد. مقاله باعث شد تا خشم مردم که از حوادث گوناگون جمع شده بود. ظهور کند. واکنش شاه به این حوادث دستور کشتار مردم معترض بود. این رفتار باعث شد تا مردم به سنت دیرین دینی خود اقدام به برگزاری مراسم چهلم برای شهدای خود کنند. این روال چهلم گرفتن باعث گردید تا نظم اجتماعی که نظام سلطنتی برقرار کرده بود به کلی فروپاشد. این اتفاق مهم در مقدمه قانون اساسی نیز مورد اشاره قرار گرفته است: «انتشار نامه توهین آمیز به ساحت مقدس روحانیت و به ویژه امام خمینی در ۱۷ دی ۱۳۵۶ از طرف رژیم حاکم این حرکت را سریع تر نمود و باعث انفجار

خشم مردم در سراسر کشور شد و رژیم برای مهار کردن آتشفشان خشم مردم کوشید این قیام معترضان را با به خاک و خون کشیدن خاموش کند اما این خود خون بیشتری در رگ‌های انقلاب جاری ساخت و طپش‌های پی‌درپی انقلاب در هفتم‌ها و چهلم‌های یاد بود شهدای انقلاب، حیات و گرمی و جوشش یکپارچه و هر چه فزون‌تری به این نهضت در سراسر کشور بخشید و در ادامه و استمرار حرکت مردم تمامی سازمان‌های کشور با اعتصاب یکپارچه خود و شرکت در تظاهرات خیابانی در سقوط رژیم استبدادی مشارکت فعالانه جستند.»

سفر امام به فرانسه که در مقایسه با عراق کشوری دموکراتیک و آزاد بود؛ فرصت مناسبی را در اختیار انقلابیون گذاشت تا با امام دیدار کنند لذا شاهد رشد صدور بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها به تهران هستیم. در ایران نیز نخست وزیرهای گوناگونی به قدرت رسیدند و ناتوان از برقراری نظم بودند و حکومت نظامی نیز سرگذشت موفقی نداشت. شاه تصمیم گرفت تا فردی دموکراتیک را برای نخست وزیری برگزیند. اعضای جبهه ملی و نهضت آزادی که با انقلاب همراه شده بودند از پذیرفتن نخست وزیری امتناع کردند. در نهایت شاپور بختیار فرد قدرت طلب که با اعضای جبهه ملی نیز دارای اختلاف بود را به نخست وزیری برگزید. بختیار تسلط بر ارتش، انحلال ساواک و خروج شاه را از کشور جزء شرایط خویش برای پذیرش این سمت اعلام داشت. بختیار در مورد کوتاه نخست وزیری خود رفتارهای متناقضی را از خود به نمایش گذاشت. وی از یک سو به دنبال آن بود تا با دادن آزادی‌های گوناگون، استفاده از نام دکتر مصدق خود را فردی دموکراتیک نشان داده و پایان رفتار مستبدانه محمدرضا پهلوی را اعلام کند. از سوی دیگر ارتش که ذیل وی بودند از شلیک بر روی معترضان هیچ واهمه‌ای نداشت. در همین بین باید گفت که وی تلاش کرد تا با بسیج مردم و هواداران خود در برابر جمعیت کثیر انقلابیون لشگرکشی خیابانی بکند. امام خمینی (ره) به رغم تمامی تهدیدها در دوازدهم بهمن ماه، به ایران بازگشت. حضور ایشان در تهران میخ محکمی بر حکومت دولت پهلوی بود. در چهاردهم بهمن ماه به پیشنهاد شورای انقلاب، مهندس بازرگان دبیرکل حزب نهضت آزادی ایران بدون در نظر گرفتن مناسبات حزبی اقدام به تشکیل کابینه کند. در بیست

و دوم بهمن ماه انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید و سلطنت سی و هفت ساله محمدرضا پهلوی و پنجاه و سه ساله خاندان پهلوی به پایان رسید.

در تاریخ دوازدهم فروردین ماه ۱۳۵۸ در حالی که هنوز سه ماه از انقلاب اسلامی نگذشته بود مردم ایران با حضور در پای صندوق های رای جمهوری اسلامی را به عنوان مدل حکومت خود انتخاب کردند. یکی از مهمترین ماموریت های اساسی که دولت موقت باید انجام می داد تشکیل مجلس موسسان بود. در مورد تشکیل مجلس موسسان در میان بزرگان و رهبران احزاب اختلاف پیش آمده بود. در نهایت تصمیم بر این شد تا مجلسی کوچک با مشارکت هفتاد نفر با عنوان مجلس خبرگان بررسی پیش نویس قانون اساسی تشکیل شود. از پیش از انقلاب اسلامی به دستور امام خمینی نگارش پیش نویسی شروع شده بود. پیش نویسی که در هیئت وزیران و شورای انقلاب تکمیل گردیده بود. دولت موقت بازرگان انتخابات مجلس خبرگان رهبری را برگزار کرد. نتیجه این انتخابات چیزی جز پیروزی قاطع انقلابیون نبود. (خواجه سروی و رزمجو و شارعی، ۱۳۹۲) دولت موقت از روند شکل گرفته در مجلس خبرگان قانون اساسی گله مند بود و به دنبال راهکاری برای انحلال آن بود که با مدیریت امام خمینی این اتفاق رخ نداد. آمریکا تصمیم به این گرفته بود تا شاه را به خاک خود دعوت کند. در سیزدهم آبان ماه دانشجویان پیرو خط امام از دیوار سفارت خانه آمریکا بالا رفتند. دولت موقت که به واسطه حضور در کنفرانس الجزایر و ملاقات با مقامات آمریکایی تحت فشار بود بعد از تسخیر سفارت آمریکا (لانه جاسوسی) استعفا داد. (میلانی، ۱۳۸۸) بعد از استعفای دولت موقت شورای انقلاب اداره کشور را برعهده گرفت. در نهایت در آذرماه قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان از ملت رای اعتماد کسب کرد. جمهوری اسلامی دیگر یک کشور انقلابی نبود بلکه تمامی موارد براساس یک قانون اساسی در حال به اجرا در آمدن بود. در دی ماه ۱۳۵۸ ابوالحسن بنی صدر توانست رقبای خود را در نخستین دوره انتخابات ریاست جمهوری شکست دهد. وی از سوی ملت به عنوان نخستین رئیس جمهور ایران شد. (خواجه سروی و شارعی، ۱۳۹۴)

۱. چارچوب نظری

یکی از مباحثی که ریشه در مبانی اسلامی دارد را باید دشمن شناسی دانست. دشمن شناسی در اندیشه اسلامی جایگاه والایی دارد. دشمن فرد یا تفکری است که هدفش نابودی و تسلط بر فرد است قرآن کریم تاکید فراوان بر شناخت دشمن کرده است. اهل بیت نیز تاکید فراوانی بر شناخت دشمن داشتند. رسول الله در حدیثی شناخت دشمن را همانند شناخت خداوند از ویژگی‌های انسان عاقل اعلام داشته است: «الا و ان اعقل الناس عبد عرف ربه فاطاعه و عرف عدوه فعصا» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج هفتاد و هفتم: ۱۷۹) در لسان عرب برای دشمن دو عبارت خصم و عدو به کار رفته است. در قرآن کریم دشمن با عبارت عدو معرفی شده است. راغب اصفهانی عدو را به معنای تجاوز کردن و گذشتن از حد دانسته که با التیام منافات دارد یعنی با بهبودی بخشیدن و سازگاری دادن میان دو چیز متفاوت است. راغب البته برای عدو عبارات گوناگونی را در نظر گرفته است. گاه آن را امری درون قلب دانسته است که به معنای کینه توزی و دشمنی پنهانی است. گاه نیز به معنای کوتاهی در اجرای عدالت است. (راغب اصفهانی) دشمن را در اصطلاح به معنای حریف، ضد است. راغب اصفهانی دشمنی نمودن را بر طبق آیات قرآن به دو گونه دانسته است. دشمنی و عداوت به دلیل دشمنی و خصومت، آیات «فان کان من قوم عدو لكم» و «عدوا شیاطین الانس و الجن» نمونه ای از این نوع دشمنی کردن است. نوع دومی که برای دشمنی کردن راغب اصفهانی معرفی کرده است برپایه قصد و نیت نیست. آیات شریفه «فانهم عدوا لی الا رب العالمین» و «عدوا لكم فاخذروهم» نمونه ای از آن است.

دشمن هرچند مفهومی عام است و در تناسب افراد گوناگون قابل تعریف است. با این حال آنچه در قرآن و سنت اسلامی برای دشمن تعریف شده است بر این اساس هرآن کس که دشمن خداوند، رسول الله و فرشتگان باشد دشمن انسان و به تبع آن دشمن مسلمانان هست. قرآن برای مسلمین و مومنین دشمنان گوناگونی را تعریف کرده است اما دشمنان قسم خود را خطرناکترین آن‌ها خطاب کرده است. مهمترین دشمنی که برای آدمی معرفی شده است؛ ابلیس هست. خداوند در سوره یس شیطان را دشمن آشکار بشر اعلام کرده است: «الم اعهد الیکم یا

بنی آدم ان لا تعبدوا الشيطان انه لكم عدو مبين (یس: ۶۰) خداوند برای مسلمین پنج دشمن را بیان کرده است. شیطان، نفس اماره، مشرکان، کافران، منافقان، یهودیان از اصلی ترین دشمنان نسبت به مسلمانان و مومنان هستند.

۲. ابزارهای دشمنان

قرآن کریم پس از آن که به معرفی دشمن پرداخته است به ابزارهایی که دشمنان برای دستیابی به هدف و غایت خود که همانا تسلط بر انسان بهره می برد را با دقت بیان کرده است. از مهمترین ابزارهایی که برای دشمنان در قرآن کریم مورد استفاده قرار گرفته است کید، مکر و خدعه است. این سه مفهوم معانی مستقل از یکدیگر دارند. در قرآن کریم نیز به صورت مستقل معرفی شده اند. فهم معنای این سه واژه در میان لغت شناسان نیز باعث اختلاف گردیده است. به گونه ای که تعاریفی که از این سه عبارت مستفاد می گردد بسیار به یکدیگر نزدیک است. شاید بتوان در جمع بندی معنای این سه عبارت که از مهمترین ابزارهای دشمنان است بیان داشت. عبارت خدعه دلالت بر پنهان داشتن چیزی می کند. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج دوم: ۱۶) پس در واقع می توان گفت خدعه یعنی برخلاف آنچه در نظر دارند مطلبی را اظهار می نمایند. (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج هشتم: ۶۳) فراهیدی در کتاب عین خود خدعه را محدودتر از مکر دانسته که دارای صفت مخفی بودن است. (فراهیدی، ج پنجم: ۳۷۰) مکر اما دلالت بر حلیه گری (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، پنجم: ۱۸۳) و منصرف کردن دیگری از تصمیمی (راغب، ۱۴۱۲ق: ۷۷۲) در احادیث شیعی برای مکر وعده آتش داده شده است. همچنین در قرآن کریم از مکر مثبت که به خداوند نسبت داده شده است نیز صحبت به میان آمده است. اما آنچه از مکر شدت بیشتری دارد کید نام دارد. دشمنی که با هدف آسیب رساندن و ضرر زدن با حيله و نیرنگ است. (الطریحی نجفی، ج چهارم: ۸۷) همانطور که مشاهده شد دشمنان از ابزارهای مشخصی استفاده می کند که مهمترین آنها معرفی شدند.

۲،۱. راه‌های نفوذ شیطان

شیطان به عنوان بزرگترین دشمن بشر راه‌های نفوذ خاصی را دارد. شیطان از ابزارهایی که اعلام گشت بهره برده و راه‌های خاصی را دنبال می‌کند. این روش‌ها از سوی دیگر دشمنان نیز دنبال می‌شود. مهمترین روشهای نفوذ دشمن را می‌توان موارد ذیل دانست:

الف. ارتباط سریع و پنهانی: همانطور که در آیات ۱۱۲ و ۱۲۱ سوره انعام ذکر شده است، شیطان همانند وحی با سرعت و پنهانی نفوذ می‌کند. دشمنان دیگر نیز درست همین گونه رفتار می‌نمایند.

ب. وسوسه: شیطان در درون قلب آدمی به صورت پنهانی و ضعیف در درون انسان تردید ایجاد می‌کند.

ج. القای آرزو: یکی از کارهای شیطان القای آرزوهای بزرگ و دست نیافتنی است.

د. وعده های فریبنده: همانطور که خداوند در سوره نساء، آیه ۱۲۰ ذکر شده است؛ شیطان وعده های واهی و خیالی می‌دهد تا انسان را با خود همراه کند. از سوی دیگر وعده های ترسناک از قبیل ترس و فقر را هم بدهند.

ه. نسیان: شیطان باعث می‌شود تا آدمی خداوند را فراموش کند و همچنین خیانت‌های شیطان را فراموش کند.

۳. انقلاب اسلامی و نظام بین الملل

جمهوری اسلامی ایران و روابط بین الملل انقلاب اسلامی ایران در شرایطی به وقوع پیوست که نظم دو قطبی در جهان حاکم بود. در یک سو جهان لیبرال سرمایه داری به رهبری آمریکا قرار داشت. جهانی که برپایه مالکیت خصوصی و آزادی های فردی شکل گرفته بود. در سوی دیگر جهان سوسیالیست - مارکسیست به رهبری شوروی قرار داشت. جهانی که تاکید بر حاکمیت پرولتاریا(کارگران) بر مالکیت عمومی تاکید داشت. در واقعیت اما حاکمیت کارگران به حاکمیت استبدادی حکومت کمونیستی محدود شد. مالکیت عمومی نیز جای خود را به مالکیت دولتی و حذف مالکیت خصوصی داده بود. نظم دو قطبی پس از پایان جنگ

جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ (۱۳۲۴) با فتح شرق اروپا از طرف شوروی و توافقات پنهانی ایجاد شود. اروپای شرقی به شوروی و اروپای غربی به آمریکا رسید. مناطق گوناگون در جهان محل نزارعه میان این دو قطب گردیده بود. شوروی از گروه‌های چریکی مسلح کمونیست در سراسر جهان حمایت تسلیحاتی و اطلاعاتی و نظامی می‌نمود. آمریکا نیز از حاکمان مستبد هم پیمان خود حمایت کامل می‌نمود و گاه به صورت مستقیم و گاه غیر مستقیم با شورشی‌های سوسیالیست در جهان مبارزه می‌کرد. در این بین چین سعی کرد تا راه دیگری را طی کند. مارکسیست شوروی بر پایه کارگران شکل گرفت. مائو رهبر انقلاب کمونیستی چین اما تاکید خود را بر روی روستاها گذاشته بود. در واقع مائو با شعار حمایت از روستایی‌ها انقلاب خود را رقم زده بود. چین تبدیل به یک دولت کمونیستی شده بود که تحت سلطه شوروی نبود. چین مائو گاه با شوروی رقابت و گاه همکاری داشت. روابط میان دو قطب بسیار خشن و بدبینانه بود. این بدبینی پس از مرگ استالین هرچند اندکی کاهش یافت اما همچنان برقرار بود. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم به درستی و با دقت کامل به این موضوع اشاره داشتند: «آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود.» مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم به درستی به تقابل اسلام و استکبار اشاره داشته اند. تقابلی که با فروپاشی شوروی شدیدتر نیز شده است: «پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطبهای جدید قدرت، تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد.»

۳,۱. ویژگی‌های اساسی انقلاب اسلامی در عرصه بین الملل

انقلاب اسلامی در چنین شرایطی به وقوع پیوست. اتفاقی که در مورد انقلاب اسلامی باید به آن توجه شود از دو بعد دارای اهمیت است. نخست آن‌که انقلاب ایران برخلاف تمام انقلابهایی که در سطح جهان رخ داده بود به هیچ کدام از دو اندیشه لیبرالی و سوسیالیستی

وابسته نبود. بلکه این انقلاب برپایه اندیشه اسلامی شکل گرفته بود. در دورانی به وقوع پیوسته بود که مدرنیته جهان را درنوردیده بود و سخن از دین و حرکت اجتماعی و سیاسی برپایه دین امری دور از ذهن بود. میشل فوکو به درستی انقلاب اسلامی ایران روح جهان بی روح تعبیر کرده بود. در دورانی که سخن از دین و معنویت به حاشیه رفته بود و کسی از اثرات اجتماعی و سیاسی دین سخن نمی‌گفت دین، در کشور ایران پس از سال‌ها اقدامات دین‌گریزانه و دین‌ستیزانه، نه تنها از قدرت دین چیزی کاسته نشده بود بلکه توانسته بود با قدرت فراوان و بسیار قدرت سیاسی را نیز به دست آورد. این نکته به خوبی در مقدمه قانون اساسی ذکر شده است: «ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر مکتبی و اسلامی بودن آن است، ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت به این تجربه گرانبار دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضت‌ها مکتبی نبودن مبارزات بوده است.»

نکته دومی که در مورد انقلاب اسلامی باید به آن اشاره کرد فراگیر بودن آن است. انقلاب اسلامی برخلاف انقلاب‌های سوسیالیستی که تنها از طریق محدودی از افراد و با تکیه بر اسلحه صورت می‌گرفت؛ انقلاب ایران با مشارکت تمامی افراد و طبقات و بدون بهره بردن از سلاح توانسته بود به پیروزی برسد. این دو تفاوت بنیادین انقلاب اسلامی ایران با دیگر انقلاب‌های هم عصر خود بود.

انقلاب اسلامی ایران نسبت به نظم حاکم در جهان انتقاد داشت و از این که جهان به یک دو قطبی براساس قدرت تقسیم شده است با دیده تردید می‌نگریست. جمهوری اسلامی به دنبال نظم بین الملل براساس مشارکت و همگرایی کشورهای اسلامی و تمامی مستضعفان عالم برای نابودی و پایان دادن به استکبار جهانی بود. استکباری که در کشورهای آمریکا و شوروی تبلور یافته بود. جمهوری اسلامی به دنبال یک نظم نوین در جهان بود. نظمی که نه براساس قدرت و استثمار بلکه براساس برادری و معنویت میان ملتها و امتهای گوناگون شکل بگیرد. تاثیر این بحث را می‌توان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به خوبی مشاهده کرد.

۴. راهبردهای دشمن شناسی

دشمن شناسی به عنوان یک نظریه دارای راهبردهای مشخصی است که توجه به آنها راهگشا خواهد بود در این قسمت تلاش می شود مهمترین راهبردهایی که از نظریه دشمن شناسی استخراج شده است معرفی گردد.

۱،۴. راهبرد نفی سبیل

همانطور که بیان گردید کفار از دشمنان مسلمانان هستند. دشمنانی که نابودی اسلام و ذلت مسلمانان را طلب می کنند. با توجه به این که کفار از دشمنان مسلمانان هستند و تنها هدفشان تسلط و نابودی مسلمانان است هرگونه مسلط شدن و سیطره یافتن آن ها به معنای آن سیطره و تسلط دشمن است و پیامدی جزء نابودی مسلمانان ندارد. این مسئله آنچنان از اهمیت فراوانی برخوردار است که در قرآن کریم به صورت صریح سلطه کفار ممنوع اعلام شده است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) همچنین رسول الله در حدیثی اسلام را از تمامی مکاتب برتر و عالی تر معرفی نموده است: «الاسلامُ یعلو ولا یعلیٰ علیہ والکفرُ بمرتزقه الموتی لا یحییون ولا یورثون» این حدیث اسلام را از تمامی مکاتب برتر معرفی کرده و کافران را به مردگان تشبیه نموده است. (بجنوردی، ج اول: ۱) در این راهبرد تاکید فراوان شده است که کفار نباید بر مسلمانان مسلط شوند. در واقع می توان گفت که این راهبرد سیاست کلان فاصله گذاری با دشمنان را تبیین کرده است. در اصل ۱۵۲ قانون اساسی به این راهبرد در سیاست خارجی پرداخته شده است. «اصل یکصد و پنجاه و دوم: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.»

۲،۴. راهبرد نه شرقی نه غربی

محور کانونی سیاست خارجی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران راهبرد مفهوم نه شرقی و نه غربی است. این راهبرد برخواسته از اصل دشمن شناسی است. برخی به اشتباه گمان می کنند که این سیاست همان موازنه منفی است که دکتر محمد مصدق در دوران

نخست وزیر خویس به دنبال آن بوده است حال آن که سیاست خارجی که در دوران محمد مصدق مطرح بود ناظر بر پذیرش نظم بین المللی بود. دولت مصدق یک عدم تعهد منفعلانه را دنبال می نمود و نظم حاکم بر جهان پذیرفته شده بود. در حالی که سیاست نه شرقی نه غربی یک عدم تعهد فعالانه را در نظر داشت. ایران در این دوران به خصوص در سال های نخست با تعارضاتی در سیاست گذاری عرصه بین الملل روبرو بود.

۱،۲،۴. عدم تعهد محافظه کارانه

با انتخاب مهدی بازرگان به عنوان نخست وزیر دوران جدیدی در سیاست خارجی ایران شروع شد. بازرگان، کریم سنجابی رهبر جبهه ملی را به عنوان وزیر خارجه برگزید. سیاست کلان دولت موقت در سیاست خارجی را می توان عدم تعهد محافظه کارانه نامید. سیاست و راهبردی رایج و متداول که در چارچوب جنبش عدم تعهد تعریف می شد که در آن یعنی وضع و نظم موجود بین المللی پذیرفته شده و تلاش می شد تا حفظ استقلال و حاکمیت ملی ایران از روش همزیستی مسالمت آمیز با ابرقدرتها و کانون های قدرت جهانی بدون تعهد و اتحاد و ائتلاف با آنها رخ دهد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۷۵) عدم تعهد محافظه کارانه غیرایدئولوژیک و غیر انقلابی بوده و درصدد تغییر نظم و نظام بین الملل موجود نبوده و برپایه اصل توازن شکل گرفته است. (همان) دولت موقت در نخستین اقدام های خود دستور به خروج نیروهای نظامی ایران از عمان داد. از اقداماتی که سنجابی در دوران وزارت خود انجام داد تلگراف به برخی سفارتخانه ها برای تحویل گرفتن ویزای ماموران ساواک و صدور برگه برای بازگشت به ایران بود. (همان: ۲۷۴) سنجابی کمتر از دوماه به عنوان وزیر خارجه بود او در این مدت تلاش نمود تا روابط ایران را با شوروی و آمریکا براساس موازنه منفی مصدقی اداره کند. «کشور ما به راستی خواهان داشتن روابط دوستانه با اتحاد جماهیر شوروی است و هرگز نخواهد پذیرفت که پایگاه حمله یا تبلیغ بر ضد آن کشور قرار گیرد» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۰۲) البته وزارت خارجه دولت موقت کاملاً به دنبال آن بود که تمامیت ارضی ایران در این روابط محترم و محفوظ بماند. «ما اجازه نخواهیم داد سوابق ناخوشایندی چون درخواست امتیاز نفت شمال، مطالبات ارضی یا اعلام جمهوری کردستان در مهاباد از نو

تکرار شود ما از استقلال، تمامیت و یکپارچگی ایران به هر قیمت که شده دفاع خواهیم کرد» (همان: ۳۰۳) دوران وزارت سنجابی کوتاه بود و در نهایت با استعفای وی پایان یافت. ابراهیم یزدی مشاور نخست وزیر در امور انقلاب که سابقه کارهای چریکی در خارج از کشور را داشته و نسبت به سنجابی رفتاری انقلابی داشت به عنوان جایگزین او انتخاب شد. در دوران یزدی مسائل دیگری در وزارت خارجه ایران مطرح بود که مهمترین آن ها را می توان تسلیحات نظامی خریداری شده از سوی شاه از کشور آمریکا دانست. در مورد فسخ قراردادهای نظامی ایران و آمریکا گروه های سوسیالیست تبلیغ های گسترده ای انجام می دادند از سویی در درون دولت موقت نیز استدلال هایی از قبیل این که دولت ایران با کشوری قصد نبرد و جنگ ندارد و سیاستش مصالحه است به گوش می رسید. برخی دیگر نیز از هزینه های سنگین نگهداری چنین تجهیزاتی می گفتند. تمامی این عوامل باعث شد تا در دوران وزارت ابراهیم یزدی قراردادهای نظامی ایران با آمریکا فسخ شود. سیاست خارجی دولت موقت بر پایه نگاه به غرب، اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر، صلح گرایی و مسالمت جویی بود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۰۴-۸)

با استعفای دولت موقت وزارت خارجه نیز فاقد وزیر گردید. در این شرایط ابوالحسن بنی صدر برای وزارت خارجه برگزیده شد. او که تنها پانزده روز بر این سمت بود در دستوری عجیب اقدام به کاهش حقوق کارمندان دیپلماتیک وزارت خارجه و برابر سازی حقوق آن ها با کارمندان اداری را داد. (مهدوی، ۱۳۹۳: ۲۹۸) همچنین با مطرح کردن خروج سپرده های ایران از بانکهای آمریکا و شعب اروپایی آن زمینه را برای واکنش کارتر و مسدود کردن آن پول ها به وجود آورد. (همان: ۲۹۶-۷)

پس از بنی صدر، صادق قطب زاده فردی که بسیار ماجراجو بود به این سمت برگزیده شد. او همانند یزدی به زبان انگلیسی مسلط بود و سال ها در آمریکا زندگی کرده بود. قطب زاده تمرکز خود را بر روی استرداد شاه به ایران گذاشت. او که رفتارهای تبلیغی فراوانی داشت. سعی نمود تا از طریق مذاکره با کشور پاناما و همچنین وعده آزادی گروگان های آمریکایی زمینه را برای استرداد شاه ایجاد کند. شاه که از بیماری نیز رنج می برد و نسبت به تحولات

رخ داده در پاناما مطلع شد. مصاحبه هیجانی صادق قطب زاده که در آن از بازداشت شاه در پاناما گفته بود نیز باعث حساسیت بیشتر محمدرضا پهلوی گردید. در نهایت شاه به اتفاق همسرش به مصر سفر کرد و کوشش های پر سر و صدای قطب زاده نیز بی نتیجه ماند.

وزارت خارجه از محل های اختلاف میان بنی صدر و رجایی بود. در حالی که کشور با بحران گروگان گیری و جنگ تحمیلی روبرو بود وزارت خارجه فاقد وزیر بود. پس از قانونگذاری مجلس مبنی بر سرپرستی نخست وزیر برای وزارتخانه های بدون سرپرست رجایی خود سرپرست وزارت خارجه شد. با برکناری بنی صدر، میرحسین موسوی نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی به عنوان نخست وزیر برگزیده شد. دوران وزارت موسوی کوتاه بود با انتخاب او به عنوان نخست وزیر، دیگر نماینده تهران ولایتی که از دستیابی به نخست وزیری بازمانده بود به عنوان وزیرخارجه برگزیده شد.

از اقداماتی که در این دوران صورت گرفت، قطع روابط سیاسی با آفریقای جنوبی که در آن ایام دارای رژیم آپارتاید (نژادپرستانه)، خروج از پیمان سنتو از سوی دولت موقت، تصویب ممنوعیت صادرات و واردات با آفریقای جنوبی و رژیم صهیونیستی (اسرائیل) در ۲۹ فرودین ماه ۱۳۵۸ در هیئت وزیران دولت موقت، عضویت در جنبش عدم تعهد می تون نام برد.

۲،۲،۴. عدم تعهد انقلابی

با انتخاب آیت الله خامنه ای به عنوان رییس جمهور و موسوی به عنوان نخست وزیر دوران جدیدی در سیاست خارجی ایران آغاز شد. برحلاف دوران بازرگان که موازنه منفی به عنوان یک رویکرد دفاعی و ملی مورد توجه بود در این دوران رویکردی تهاجمی و امت محور مطرح شد. سیاست خارجی که از سوی برخی آرمان گرایانه معرفی شده است. (ازغندی) در این دوران راهبرد عدم تعهد انقلابی مورد توجه قرار گرفت. در واقع عدم تعهد انقلابی ماهیتی تهاجمی و ساختارشکن دارد که بر عدم پذیرش وضع و نظم موجود بین المللی و تلاش برای تغییر بنیادین آن و برقراری نظم مطلوب اسلامی تاکید دارد. این تحول در شالوده و بنیان به یکباره و از طریق تغییرات فوری و فاحش است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۷۷) در تعهد انقلابی آنچه دارای اهمیت است کوشش برای انجام تغییرات فوری و یکباره است. نظم

جهانی امری ظالمانه و استعماری است که تنها به منافع مستکبرین توجه دارد. در این دوران ایران که درگیر جنگ تحمیلی نیز بود تعاملاتش با نهادهای بین المللی به اندک رسید و دستگاه وزارت خارجه نیز تحرکات اندکی داشت. به جای تمرکز بر روی دولتها، امت ها و نهضت های آزادی بخش مورد توجه قرار گرفته بودند. در همین دوران در تهران خیابانی به نام خالد اسلامبولی افسر سلفی که انور سادات را کشته و به مرگ محکوم شده بود نامگذاری شد. از سوی دیگر ایران نسبت به تقویت حزب الله لبنان و گروه های جهادی که با اسرائیل نبرد بودند اقدام می کرد. در این سال ها کره شمالی، لیبی و سوریه شرکای تجاری ایران بودند. همچنین ترکیه به عنوان همسایه هر دو کشور منافع بیشماری را در این جنگ به دست آورد. در این سال ها ایران شرایط دشواری را برای پذیرش آتش بس مطرح می کرد که دستیابی به صلح را سخت می کرد.

۳،۲،۴. عدم تعهد تجدید نظر طلب

از اسفند ۱۳۶۳ موشک باران تهران آغاز شد. در شهرها فضای نا امنی حاکم شد. در این سال ایران در راهبرد خود تجدید نظر کرد و راهبردی جدید را شروع نمود. این راهبرد را می توان عدم تعهد تجدیدنظر طلب دانست. عدم تعهد تجدیدنظر طلب همانند عدم تعهد انقلابی است با این تفاوت که در شیوه و روش تحقق هدف تحول در بنیان متفاوت است در این راهبرد تحول و تغییرات به صورت تدریجی و از طریق دگرگونی و دگرگونی بنیادها و اصول زیربنایی به وقوع می پیوندد و فوریت کمتری وجود دارد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۷۸) این راهبرد همچنان به دنبال تغییر در بنیادهای نظم بین الملل است اما به جای آن که دستیابی به این اهداف را به صورت فوری دنبال کند خواستار دستیابی به این خواسته ها به صورت تدریجی است. در این دوران هنوز روش و فرایند تحول در بنیادها مشخص نشده است اما سیاست خارجی ایران به دنبال آن است تا تعامل های خودش را با نهادهای بین المللی گسترش بدهد. از سوی دیگر با دولتهای گوناگون نیز به تعامل و گفتگو پردازد. در سال ۱۳۶۴ همزمان با موشک باران تهران، دبیرکل سازمان ملل به تهران سفر و با مقامات ایرانی دیدار و گفتگو کرد. (کیهان) ایران اقدام به آزادسازی گروگان های آمریکایی در

لبنان نمود. در این ایام ایران همچنین با نهادهای مختلف از قبیل سازمان ملل، سازمان کنفرانس اسلامی، جنبش عدم تعهد تعاملات خود را گسترش داد. مذاکرات آتش بس در سازمان ملل از سوی وزارت خارجه و نمایندگان ایران پیگیری می شد.

۴,۲,۴. عدم تعهد اصلاح طلب

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از پایان جنگ تحمیلی به دنبال تغییر در رفتار خود سوق پیدا کرد. با انتخاب هاشمی رفسنجانی این تغییرات به صورت عمیق شکل گرفت. هاشمی رفسنجانی در عرصه سیاست خارجی به دنبال افزایش تعامل با کشورهای دیگر از جمله دولتهای اروپای غربی بود. عدم تعهد اصلاح طلب این حد فاصل محافظه کاری و تجدید نظر طلب است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۷۸) در واقع تعهد اصلاح طلب به دنبال آن است تا با انجام اصلاحات روبنایی در وضعیت کنونی باعث تحول در امور پایه ای شود

«تعهد اصلاح طلب درصدد اصلاح روبنایی نظم و نظام موجود با هدف ایجاد تدریجی دگرپسی و دگرگونی زیربنایی در بنیانها و بنیادهای آن است» (همان: ۱۷۹) این مدل درست برخلاف عدم تعهد انقلابی و تجدید نظر به صورت موقت نظم موجود را می پذیرد. (همان) دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و خاتمی این رویکرد دنبال می شد. البته در دوران خاتمی این رویکرد با قدرت بیشتری دنبال شد. خاتمی در کنار عدم تعهد اصلاح طلب، گفتگوی تمدن ها را مطرح نمود. خاتمی تلاش کرد در عین توجه به ارزش های اصیل انقلاب اسلامی، گفتگوی تمدن ها و سفرهای متعدد به اروپای غربی نمونه ای از همین رویکرد در دوران خاتمی است.

۵,۲,۴. عدم تعهد عدالت گرا

دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد را می توان عصری دانست که رویکرد عدم تعهد عدالت گرا خطاب کرد. در این رویکرد از ظرفیت سازمانها و نهادهای بین المللی بیشترین استفاده صورت می گرفت. تعامل و ارتباط با کشورهای در حال توسعه که به دنبال آن بودند تا در چارچوب آمریکا خود را تعریف نکنند مورد توجه قرار گرفت. چین، روسیه، هند، ترکیه، برزیل محور این تعاملات بود. توجه به کشورهای سوسیالیستی آمریکای لاتین که در قلب

ایالات متحده قرار داشتند نمونه ای از این اقدامات است. پافشاری بر روی حقوق ملی و در راس آن انرژی هسته‌ای نمونه ای از این رفتارها هست.

۴،۲،۴. عدم تعهد اعتدال‌گرا

این رویکرد که به عدم تعهد اصلاح طلب نیز نزدیک است تلاش دارد تا براساس گفتگو و عقلانیت عمل شود. در این رویکرد تلاش می‌شود تا با قدرت بزرگ جهانی (آمریکا، روسیه، چین، انگلستان، فرانسه، آلمان، اتحادیه اروپا) تعاملات نزدیک داشته باشد. البته در عرصه اقتصادی توجه به اروپای غربی است و روسیه و چین جایگاه کمتری دارد. این رویکرد گاه به عدم تعهد محافظه کارانه نیز نزدیک می‌شود. این رویکرد تلاش‌هایی را برای بهبود روابط با کشورهای عرب همسایه داشته است.

الف. تفاوت موازنه منفی و نه شرقی نه غربی

یکی از نکات بسیار مهمی که باید به آن اشاره کرد تفاوت عمیقی است که ما بین موازنه منفی که دکتر محمد مصدق مطرح نموده بود با نه شرقی نه غربی وجود دارد. دکتر مصدق براساس نگرش لیبرالیسم ملی به دنبال آن بود تا ایران به عنوان حیات خلوت هیچ کدام از دو قدرت اصلی جهان نباشد. همچنین وی با استعمار انگلستان مخالف است و تمام زحمت خود را بر روی این نکته گذاشته بود. در موازنه منفی اساساً نظم بین الملل پذیرفته شده و هیچ گونه اعتراض و انتقادی نسبت به وضع مسلط نداشته و تنها به دنبال دموکراسی بوده. در موازنه منفی نگاه کاملاً ملی است؛ اما در نه شرقی نه غربی نگرانی فراتر از ملیت نسبت به امت نیز وجود دارد. از سوی دیگر موازنه منفی اساساً نگاهی منفعلانه دارد و در درون مرزها با دشمن مبارزه می‌کند. در نه شرقی نه غربی اما به با دشمن خارج از مرزها مبارزه می‌شود و در خانه دشمن آتش بازی صورت می‌گیرد. به عنوان نمونه می‌توان گفت که جمهوری اسلامی دشمنی را به ونزوئلا یعنی حیات خلوت آمریکا کشانده است. تفاوت را می‌توان اینگونه دانست که در نه شرقی نه غربی خصیلتی تهاجمی دارد حال آن که موازنه منفی رفتاری محافظه کارانه و منفعلانه دارد.

۳,۴. راهبرد مرزبندی با دشمن

با توجه به این که شیطان و دشمن از روشهای گوناگون می‌تواند به درون انسان نفوذ کند و بر وی مسلط گردد. لازم است تا با دشمن مرزبندی صورت پذیرد. زیرا دشمن به راحتی می‌تواند به درون بشر رفته و بر او مسلط شود. دشمن مانند موریانه می‌تواند در قلب انسان نفوذ کند و انسان را با خود همراه کند. آیت الله خامنه‌ای مرزبندی را راهی برای ممانعت از نفوذ دشمن به درون جامعه می‌شود: «یک مسئله‌ی دیگر که باز این را هم عرض کنیم، مرزبندی با دشمن برای مصونیت از تهاجم نرم [است]. یکی از کارهای بسیار لازم همین است که ما نگذاریم مرزمان با دشمن کم‌رنگ بشود. مرزبندی با دشمن، اگر مرزبندی با دشمن نبود و مرز، برجسته نبود، عبور از این مرز - چه از این طرف به آن طرف، چه از آن طرف به این طرف - ممکن می‌شود؛ درست مثل مرزهای جغرافیایی.» (آیت الله خامنه‌ای: ۱۳۹۷/۱۲/۲۳) این مرزبندی با دشمنان در واقع مانع نفوذ آنها به داخل جامعه گردد. آیت الله خامنه‌ای با رجوع به سوره کافرون این سوره را نمادی از مرزبندی اعلام می‌دارند. ایشان مرزبندی را به دو حوزه جغرافیایی و عقیدتی تقسیم می‌نمایند و هر دو را ضروری معرفی می‌کنند. (آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۳۹۲/۱۲/۱۵)

۱,۳,۴. دشمن شناسی در عرصه عمل

یکی از مسائلی که باید به آن توجه شود مراحل شناسی و مرزبندی با دشمن در جمهوری اسلامی به اجراء درآمده است ذکر می‌شود. در این مرحله تلاش می‌شود در عرصه سیاست عملی دشمن به مطالعه گذاشته شود.

الف. آمریکا دشمن اعظم

انقلاب اسلامی از همان روز نخست مبنای خود را دشمنی با هیچ ملت و دولتی قرار نداده بود. بلکه تلاش داشت تا نسبت به دولتها رفتاری عادلانه و براساس اخلاق داشته باشد. تنها دولت جعلی رژیم صهیونیستی در کنار دولت آپارتاید آفریقای جنوبی از دایره نگاه مثبت و دلسوزانه جمهوری اسلامی محروم شدند. البته با فروپاشی آپارتاید و به قدرت رسیدن نلسون ماندلا، جمهوری اسلامی روابط خود را با دقت و براساس مصلحت، حکمت و عزت روابط

خود را تنظیم نموده بود. اما ایالات متحده از همان روزهای نخست دشمنی و عداوت را با جمهوری اسلامی آغاز نمود. حمایت از جنایت‌های شاه، همکاری با نیروهای ضد انقلاب، حمایت از شاه مخلوع نمونه‌ای از این رفتارها بود. رهبر معظم انقلاب اسلامی براساس دستور قرآن کافر بودن بر طاغوت را لازمه ایمان اعلام می‌دارند. مقام معظم رهبری آمریکا را طاغوت اعظم و مسبب بسیاری از مشکلات جهان اسلام معرفی نموده‌اند: «امروز طاغوت اعظم در دنیا، رژیم ایالات متحده امریکا است؛ زیرا صهیونیسم را او به وجود آورده است و آن را تأیید می‌کند. امریکا جانشین طاغوت اعظم قبلی یعنی انگلیس است. امروز تجاوز رژیم ایالات متحده و همفکرانش و همکارانش، دنیای اسلام را در وضعیت دشواری قرار داده است و دنیای اسلام در پیشرفت خود، در موضعگیری خود، در ترقی مادی و معنوی خود، زیر فشار امریکا و همکاران و همفکران اوست.» (آیت الله خامنه‌ای: ۱۳۸۵/۵/۳۰) ایشان ذات نظام سلطه و استکبار جهانی را دشمنی با نظام جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. (آیت الله خامنه‌ای: ۱۳۹۵/۳/۱۴) ایشان مسئله آمریکا را نابودی نظام اسلامی و مردمانی که از این نظام دفاع کردند اعلام داشتند: «مسئله‌ی آنها این است که این نظام اسلامی و جمهوری اسلامی نباید باشد؛ نه فقط این نظام نباشد، [بلکه] آن مردمی که این نظام را حمایت میکنند یعنی ملت ایران هم منفور سران حکومت‌های آمریکایند.» (آیت الله خامنه‌ای: ۱۳۹۷/۳/۲) به رغم آن که دولت آمریکا با نظام اسلامی و ملت ایران دشمنی و اختلاف هویتی دارد اما ایران همانند آن‌ها رفتار نکرده و اساساً اختلافش را به ملت و سرزمین آمریکا تسری نداده است. در واقع در نگاه آمریکا ملت ایران نیز مجرم هست و حتی از تجزیه ایران نیز ابایی ندارد. اما ایران برخلاف این نگاه ظالمانه تنها با نگاه استکباری دولت آمریکا دارای چالش و اختلاف است: «ما هم که اسم آمریکا را بارها می‌آوریم؛ ملت ما، خود ما؛ [چون] مسئله‌ی آمریکا به خاطر استکبار است، چون آمریکا یک دولت استکباری است، چون روش [آمریکا] استکباری است؛ ما با آمریکا به عنوان یک مجموعه‌ی جغرافیایی یا به عنوان یک ملت، به عنوان یک مجموعه‌ی انسانی هیچ مسئله‌ای نداریم، آن هم مثل بقیه‌ی کشورها؛ مسئله‌ی ما با آمریکا، مسئله‌ی استکبار آمریکایی است؛ مستکبرند، متکبرند، زورگویند، زیاده‌طلبند» (آیت الله خامنه‌ای: ۱۳۹۳/۹/۶)

۲،۳،۴. بیانیه گام دوم و دشمن

در سیاست‌های عملی جمهوری اسلامی نسبت به آینده بیانیه گام دوم دارای اهمیت و جایگاه فراوانی است. در حالی که دشمنان ایران هم قسم شده بودند تا جمهوری اسلامی چهلیمین سالگرد پیروزی خود را جشن نگیرد و در این راه از هیچ کاری امتناع نداشتند. انواع تحریم‌ها و ستم‌ها را نسبت به این سرزمین روا داشتند. در نهایت ملت ایران با اتکا بر خداوند متعال توانست چهلیمین سالگرد پیروزی خود را نیز جشن بگیرد. چهل در جهان اسلام عددی نمادین است. حضرت موسی پس از سی روز عبادت در کوه طور از جانب خداوند دستور یافت تا ده روز دیگر نیز به عبادت مشغول باشد. چهل سالگی را بلوغ فکری و اندیشه ای نیز نامیده‌اند. در روز جشن چهلیمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی مقام معظم رهبری در بیانیه ای به نام گام دوم چشم انداز آینده را برای جوانان و مسئولان طراحی کردند. مخاطب اصلی نامه ملت ایران بود. ولی فقیه در ایران همواره پیوند عاطفی و عقیدتی عمیقی با مردم خویش دارد. ایشان انقلاب اسلامی را وارد شده به دومین مرحله خود که همانا خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی اعلام داشتند. بند ششم از توصیه‌های مقام معظم رهبری در گام دوم بار دیگر بر روی مرزبندی بر روی اصول سه گانه حکمت، مصلحت، عزت در سیاست خارجی تاکید شده است. در این بند به فریبکاری و خلف وعده آمریکا و اروپا، تهدیدهای توخالی آن‌ها نیز اشاره شده است: «سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولتهای اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد میدانند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزشهای انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت.»

۳،۳،۴. تجربه برجام

در سال های پایانی دولت احمدی نژاد در عرصه اقتصاد و بین الملل کشور با چالش هایی روبرو شد. برنامه صلح آمیز هسته ای باعث شده بود تا قدرتهای جهانی اقدام به تحریم ایران بکنند. در کنار آن عدم اجرای برنامه اقتصاد مقاومتی از سوی دولتها باعث آشفتگی در حوزه اقتصادی شده بود. در سال ۱۳۹۲ دولت تدبیر و امید قصد مذاکره با شش قدرت بزرگ جهانی را کرد. مقام معظم رهبری براساس نظریه نرمش قهرمانانه انجام مذاکره با دولتهای غربی را با رعایت اصول مشخص بلامانع دانستند. در واقع نرمش قهرمانانه استفاده از نرمش در عین اقتدار است و این نشان دهنده یک مهارت دیپلماتیک است. (آیت الله خامنه ای: ۱۳۹۳/۵/۲۲) ایشان همچنین در عین این که نسبت به مذاکرات خوش بین نبودند اما اجازه چنین کاری را به دولت دادند. دولت ایران نرمش های گوناگونی را در مذاکره با شش قدرت جهانی از خود نشان داد. برخی از خطوط قرمزی را هم که مقام معظم رهبری تعیین کرده بود از سوی دولت نادیده گرفته شد، اما در نهایت دولت آمریکا در اقدامی بر خلاف قانون و توافقات از برجام خارج شدند. خروج آمریکا از برجام باعث شد تا بخشی از تحریم ها احیاء گردد. آمریکا با ایجاد رعب و وحشت جنگ به دنبال آن بود تا ایران را به میز مذاکره بازگرداند اما در این کار به موفقیتی دست نیافت. زمانی که خود را در رسیدن به این موضوع ناکام دید کشورهای را به عنوان واسطه سوی تهران روانه داشت. مقام معظم رهبری در دیدار با نخست وزیر ژاپن اعلام داشت که ملت ایران هیچ اعتمادی به آمریکا نارد و تجربه تلخ مذاکره با آمریکا در چارچوب برجام را تکرار نخواهد کرد. در واقع خیانت آمریکا بار دیگر نشان داد که مذاکره با آمریکا فایده ای نخواهد داشت زیرا آن دشمن نظام اسلامی و ملت ایران است.

۴،۳،۴. سطح بندی دشمنان

در سطح روابط بین الملل دولتها به عنوان دشمن، رقیب، رقیب-همکار، همسو و متحد تقسیم می شوند. از سوی دیگر در دو سطح منطقه ای و بین المللی قابل تقسیم هستند.

الف) وضعیت منطقه ای

در سطح منطقه ای دولتهایی که در جنوب غرب آسیا قرار داشتند به گروه های مختلفی قابل تقسیم هستند. برخی از کشورها از قبیل عراق، سوریه، لبنان، یمن، افغانستان با ایران همسو هستند و همکاری های مناسب و سازنده ای با ایران دارند. آمریکا به عنوان دشمن اعظم نظام اسلامی به همراه همپیمانان غربی اش به دنبال آن هستند تا پیمانها و همراهی های این دولتها با ایران را با چالش روبرو کنند. اعتراض های طولانی مدت در عراق و لبنان که منجر به استعفای نخست وزیر هر دو کشور شد نمونه ای از این موارد است. در واقع آمریکا و هم پیمانانش کاهش نفوذ ایران در این کشورها را با قدرت در حال پیگیری هستند. از سوی دیگر دشمنان ایران به دنبال محدودسازی و اگر توانستند نابودی نیروهای متحد ایران در منطقه هستند. حزب الله لبنان، حشد الشعبی عراق، انصارالله یمن، فاطمیون افغانستان مواردی هستند که آمریکا و متحدانش به دنبال کنترل و حتی نابودی آن ها هستند. کشورهایی از قبیل ترکیه در عین رقابت اقتصادی و سیاسی با ایران و همچنین اختلافاتی با ایران همکاری هایی دارد. دشمنان ایران در تلاش هستند تا رقیبهای منطقه ای ایران را از همکاری با ایران دور کنند. در واقع آن ها هدف دشمن این است تا همکاری های ایران با دولتهای رقیب به پایان برسد و تبدیل به یک رقابت تهدید کننده بشود. برخی کشورها از قبیل امارات متحد عربی در منطقه رقیب ایران هستند. در واقع این کشورها کمترین همکاری را با ایران دارند و کاملاً در رقابت با ایران هستند. رقابت در چنین سطحی هر لحظه امکان تبدیل شدن به یک منازعه و چالش منطقه ای شود. عادی سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی نمونه ای از اتفاقاتی است که سطح رقابت را به سوی دشمنی سوق می دهد. اما در سطح منطقه دو دولت به عنوان دشمن ایران عمل می کنند. دشمنی که ریشه های راهبردی، عقیدتی، نژادی دارد. دولت جعلی رژیم صهیونیستی دشمن نخست ایران در منطقه است. اسرائیل ایران را مانع اصلی خود برای تسلط کامل بر فلسطین و منطقه غرب آسیا می پندارد. از سوی دیگر یهود از دشمنان اسلام است و به دنبال نابودی اسلام هست. در نهایت این که به لحاظ تاریخی یهودیان با ایران مشکل دارند. دشمن دوم منطقه ای ایران دولت عربستان سعودی است. دولت وهابی و عرب گرای عربستان

سعودی سال‌های طولانی به عنوان رقیب ایران در منطقه وجود بود که از ورود تنش آشکار با ایران امتناع می‌کرد با مرگ ملک فهد رقابت این دو کشور به سمت دشمنی مایل شد. انقلاب در یمن و بحرین بر سطح دشمنی سعودی با ایران افزود در نهایت با انتخاب سلمان به پادشاهی و پیوند کامل محمد بن سلمان با آمریکا قدرت به صورت کامل از رقابت به سوی دشمنی رسید. امروز عربستان دشمن منطقه ای ایران است که در تلاش می‌کند تا اعراب و کشورهای اسلامی را علیه ایران متحد کند. دولت عربستان سعودی البته با قطر رقیب خلیج فارسی خود نیز رقابت شدیدی داشت به گونه ای که به قطع همکاری انجامید. قبل از حمله آمریکا به عراق، صدام نیز از دشمنان منطقه ای ایران بود.

ب) وضعیت بین المللی

عرصه بین الملل جایی است که کشورهای مختلف برای تامین منافع خود با کشورهای دیگر به رقابت و همکاری مشغول می‌شوند. آمریکا در عرصه بین الملل دشمن اصلی ایران است. آمریکا به دنبال آن است تا سلطه ایدئولوژیک، نظامی و اقتصادی خود را در سطح جهان حاکم نماید. ایران در هر سه موضوع در برابر زیاده خواهی آمریکا مقاومت کرده است. در واقع ایران مانع تسلط آمریکا در جنوب غرب آسیا و حتی دیگر نقاط جهان است. ایران الگویی برای تمامی کشورها در برابر مقاومت در برابر آمریکا است. جنبشهای گوناگون با تاسی از ایران در سطح جهان منافع ایران را به خطر انداخته اند. کشورهای اروپای غربی (انگلستان، فرانسه، آلمان) تلاش داشته اند تا دشمنی آشکار با ایران نداشته باشند. این کشورها به دنبال آن هستند تا از منافع اقتصادی و تجاری تعامل با ایران بهره مند باشند و نفوذ فرهنگی خود را در میان قشری از جامعه ایران گسترش دهند اما از سوی دیگر در لحظات تاثیرگذار به صورت آشکار یا پنهان با آمریکا همراهی می‌کنند. در سطح بین الملل روسیه و چین به واسطه دنبال کردن و منافع خود و رقابتهای سیاسی و اقتصادی با آمریکا در منازعه میان ایران و آمریکا با ایران سطحی از همکاری را داشته و گاه در برابر زیاده خواهی آمریکا مقاومت می نمایند. وتو کردن پیشنهاد آمریکا در شورای امنیت در مورد تمدید تسلیحاتی

ایران، همچنین و تو تصمیم شورای حکام در مورد اقدامات هسته ای ایران نمونه ای از این موارد است.

یک. قدرت های نوظهور

برخی از کشورها در عرصه بین المللی توانستند با تکیه بر ظرفیتهای داخلی خود به لحاظ اقتصادی و صنعتی رشد و توسعه یافته اند. این کشورها همچنین به لحاظ سرزمینی و جمعیتی و اقتصادی توانایی تاثیرگذاری در سطح جهانی را دارند. نمونه ای از این موارد را می توان هندوستان دانست. کشوری که به لحاظ جمعیتی و جغرافیایی وضعیت بسیار مهم و اساسی دارد و جهش های اقتصادی اساسی داشته است. این کشور در سالهای نزدیک رقیب و همکار با ایران بود و در برابر زیاده خواهی های آمریکا نسبت به ایران، از کشور ایران پشتیبانی می نمود. اما با انتخاب نخست وزیر تندرو در هندوستان مقابله با مسلمانان هندوستان و همراهی و همپیمانی با آمریکا شروع شد. نتیجه آن که هندوستان از رقابت و همکاری به سوی رقابت رفت. در نتیجه این اتفاقات هندوستان از خط راه آهن چابهار کنار گذاشته شد.

دو. مراقبت از دوستان

یکی از مسائلی که باید به آن توجه داشت مراقبت از دوستان است. همانطور که لازم است که با دشمنان مرزبندی داشت و در برابر آنها مقاومت نمود و در صورت لازم گزینه نبرد را انتخاب کرد؛ به همان میزان لازم است تا از دوستان و متحدان منطقه ای و بین المللی دفاع کرد. در واقع لازم است که دولت در عین توجه به منافع ملی به صورت هدفمند و گزینشی به حمایت از دولتهای دوست و متحد پرداخت. دولت سیالیستی ونزوئلا در آمریکای لاتین نمونه ای از دولتهای دوست جمهوری اسلامی هستند که امروز با بحرانهای گوناگون روبرو هست و نیازمند کمک هدفمند و مدیریت شده ایران است. دولت سوریه نیز از جمله دوستان ایران در عرصه منطقه ای و جبهه مقاومت است که به لطف حمایتهای ایران توانست بقای خود را تضمین کند.

جمع بندی و نتیجه گیری

با پیروزی انقلاب اسلامی تحول عمیقی در عرصه روابط بین الملل و سیاست خارجی شکل گرفت. نظام سیاسی جدید تلاش داشت تا براساس نظریه دشمن شناسی که برپایه قرآن و احادیث شکل گرفته بود سیاست خارجی نوینی را شروع کند. برپایه این نظریه جدید مسلمانان دارای دشمنان قسم خورده ای هستند که غایت هدفشان نابودی اسلام است. در این نظریه نخستین دشمن شیطان معرفی شده است. جدای از شیطان کافران، مشرکان، منافقان و در نهایت یهودی ها دشمنان مسلمانان هستند. از سوی دیگر این دشمنان با استفاده از ابزار خاصی به سراغ مسلمانان می آیند. کید، مکر و خدعه از ابزارهای اصلی دشمنان است. از سوی دیگر روشهای گوناگونی از سوی دشمنان برای سیطره و سلطه بر مسلمانان طراحی شده است. بدین وسیله براساس چارچوب نظری دشمن شناسی و شناخت دشمن های انسی و جنی در قالب روابط انسانی بعد تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران که تلاش بر حکمرانی براساس شرع مقدس اسلام دارد بنابراین سه راهبرد اساسی در سیاست خارجی شکل گرفته است. راهبرد نخست که به قاعده نفی سبیل نیز معروف است تاکید بر این دارد که نباید کافران بر مسلمانان سیطره و تسلط پیدا کنند. راهبرد دوم که براساس این نظریه ایجاد شده است «راهبرد نه شرقی نه غربی» است. راهبردی که در سالهای گوناگون مورد تحول و تغییر یافته است. راهبرد سومی که در این دوران مطرح شده است: «مرزبندی با دشمن است» در واقع کوشش می شود تا مرز میان دشمن با جامعه اسلامی باید حفظ شود. در ادامه تلاش شده است تا در دوران معاصر این نظریه به مطالعه گذاشته شود. تقسیم بندی دشمنان در دو سطح منطقه ای و بین المللی مورد مطالعه قرار گرفته است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. ابن فارس (۱۴۰۴ق)، مقایس الغه، جلد دوم، قم: دارالفکر.
۳. ابن منظور (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، جلد هشتم، بیروت: دارالصادر.
۴. ازغندی، علیرضا (۱۳۹۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (چارچوبها و جهت گیریها)، تهران: قومس.
۵. خواجه سروی و رزمجو و شارعی، غلامرضا و علی اکبر و محمد محسن (۱۳۹۲)، تاریخ انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده وزارت علوم، تحقیقات و فن-آوری.
۶. خواجه سروی و شارعی، غلامرضا و محمد محسن (۱۳۹۴)، تاریخ تحولات مجلس شورای اسلامی، تهران: سرو اندیشه.
۷. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
۸. کوبالکوا، وندولکا و مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲)، سیاست خارجی در جهان برساخته، ترجمه: میرمحمدی، مهدی و خسروی علیرضا، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین الملل، ترجمه: مشیرزاده، حمیرا، تهران: وزارت امور خارجه.
۱۰. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، اینترنتی.
۱۱. طریحی نجفی (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
۱۲. فراهیدی (۱۴۰۹ق)، عین، جلد پنجم، قم: دارالهجره.
۱۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق) بحارالانوار، جلد هفتاد و هفتم.
۱۴. مهدوی، عبدالرضا (۱۳۹۳)، تاریخ روابط خارجی ایران: از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم (۱۵۰۰-۱۹۴۵)، تهران: امیرکبیر.

۱۵. تامپسون، کنت و مورگنتا، هانس جواکیم، سیاست میان ملت‌ها: تلاش در راه قدرت و صلح، ترجمه: مشیرزاده، حمیرا، تهران: وزارت امور خارجه.
۱۶. مهدوی، عبدالرضا (۱۳۹۳)، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۰۰-۱۳۵۷، تهران: پیکان.
۱۷. میلانی، محسن (۱۳۸۸)، شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: گام نو.